بررسی و تبیین عوامل خانوادگی واجتماعی مؤثر بر میزان گرایش به یادگیری در بین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان بوشهر

لیلا جلالیان[1] ، رقیه جلالیان[2] ، افسانه جلالیان[3]

۱.مدیر دبستان ،اداره آموزش و پرورش شهرستان دشتستان
۲.مدیر دبستان ،اداره آموزش و پرورش شهرستان دشتستان
۳.مدیر دبستان ،اداره آموزش و پرورش شهرستان دشتستان

چکیده

پژوهش‌های بسیاری نشان داده‌اند که آنچه والدین در تعامل خود با کودکان در خانه انجام می‌دهند عامل اصلی تعیین کننده توانایی‌های کلامی و پیشرفت درسی است نه سطح درآمد والدین یا میزان تحصیلات یا سایر خصوصیت‌های مربوط به پایگاه اجتماعی آنان. والدینی می‌توانند بهترین و مؤثرترین سطح تعامل را با فرزندان داشته باشند که از سطح فکری ـ و نه فقط سطح تحصیلات ـ بالاتری برخوردار باشند. بنابراین نقش پدر و مادر در افت و یا ارتقای سطح فکری و فرهنگی خانواده بسیار مهم است یادگیری یک فرایند است و در هر فرایند عوامل و متغیرهایی در حال تعاملند. هدف پژوهش حاضر شناسایی و تبیین عوامل خانوادگی واجتماعی مؤثر بر میزان گرایش به یادگیری در بین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان بوشهر است این است که خانواده و ویژگی‌های محیط خانوادگی دانش‌آموزان تا چه میزان بر گرایش دانش‌آموزان به یادگیری مؤثر است. پژوهش حاضر تحقیقی توصیفی پیمایشی است که به لحاظ هدف کاربردی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در مدارس شهرستان بوشهر می‌باشد. تعداد کل دانش‌آموزان ابتدایی ۶۸۷۷ نفر می‌باشد. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران۳۶۳ نفر تعیین شد. ابزار تحقیق پرسشنامه استاندارد می‌باشد. نتایج تحقیق نشان داد که بین عوامل خانوادگی، روابط درون خانواده و انسجام خانوادگی با گرایش به یادگیری رابطه معنادار وجود دارد. همچنین بین میزان گرایش دانش‌آموزان به یادگیری براساس پایه تحصیلی آنان تفاوت معناداری مشاهده شد.

واژگان کلیدی: یادگیری، گرایش به یادگیری، انسجام خانوادگی، روابط درون خانواده

مقدمه

والدین امروزی و بخصوص مادران حساسیت زیادی درباره درس خواندن و پیشرفت تحصیلی فرزندانشان نشان می‌دهند. بسیاری از خانواده‌هایی که فرزندان با هوش و درس خوانی دارند سعی می‌کنند از تهیه هیچ نوع امکاناتی دریغ نکنند. خانواده‌هایی که فرزندانشان به هر دلیل اهل درس و مدرسه نیست برای جبران کمبودهای انگیزشی پول خرج کردن برای معلم خصوصی و آموزشگاه و انواع و اقسام کتاب‌ها را ساده‌ترین راه می‌پندارند. هم والدین گروه اول و هم والدین گروه دوم بیش‌ترین فشار را بر روی فرزندان متمرکز ساخته و به اقداماتی یک طرفه روی می‌آورند. نقش خانواده در ایجاد «لذت یادگیری» چیست چرا کودک ۶- ۵ ساله مشتاق یادگیری وقتی به سنین بالاتر می‌رسد شوق و انگیزه خود را از دست می‌دهد آیا این امر به دلیل تأثیر عوامل خارج از خانواده است. خانواده به ویژه در سنین حدود ۲ تا ۱۰ سالگی مهارت‌هایی به

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

کودک می‌آموزد که در رابطه با کارهای آموزشگاه نقش اساسی دارند. این مهارت‌ها عبارتند از: زبان توانایی یادگیری از بزرگسالان جنبه‌هایی از نیاز به پیشرفت عادت بـه کـار کـردن و توجـه بـه «وظـایف». اگرچـه خانواده‌ها در آموزش این مهارت‌ها به کودکان تفاوت دارند اما نتیجه کار بعضـی خانواده‌هـا در ایجـاد ایـن مهارت‌ها و توانایی‌های دیگر فوق العاده است.

پژوهش‌های بسیاری نشان داده‌اند که آنچه والدین در تعامل خود با کودکان در خانه انجـام می‌دهنـد عامـل اصلی تعیین کننده توانایی‌های کلامی و پیشرفت درسی است نه سطح درآمد والدین یا میزان تحصیلات یـا سایر خصوصیت‌های مربوط به پایگاه اجتماعی آنان. والدینی می‌توانند بهترین و مؤثرترین سطح تعامل را با فرزندان داشته باشند که از سطح فکری ـ و نه فقط سطح تحصیلات ـ بـالاتری برخـوردار باشـند. بنـابراین نقـش پـدر و مـادر در افـت و یـا ارتقـای سـطح فکـری و فرهنگـی خـانواده بسـیار مهـم اسـت. والدین چگونه می‌توانند در این باره تأثیرگذار باشند از عوامل زیادی در این خصوص می‌توان نام برد ولـی مهم‌ترین عامل نگرش والدین به یادگیری و دانایی است. وقتی پـدر و مـادر در حـرف و عمـل بـه دانـایی احترام بگذارند و وقتی یادگیری به معنای واقعی برای آنان ارزش‌مند باشد خود به خود رفتارهـای آنـان در مواجهه با مسائل فکری و تحصیلی فرزندان شان بسـیار متفـاوت خواهـد بـود. پـدر ومـادری کـه بـه زور می‌خواهند در فرزند خود انگیزه تحصیلی ایجاد کنند در واقع نه لذت یـادگیری را چشـیده‌اند و نـه عطـش یادگیری را درک کرده‌اند. چگونه امکان‌پذیر است که پدر و مادری نگرش مثبت واقعی به یادگیری نداشـته باشند و بعد بخواهند که فرزندشان به بالاترین حد پیشرفت درسی برسد البته استثناهایی ممکن است وجود داشته باشد ولی این موارد عمومی نیست. به‌طور حتم بزرگ‌ترین و خطیرترین وظیفه والدین بـه خصـوص در شرایط فعلی آن است که با اصلاح نگرش و رفتارهای خود درباره یادگیری و دانایی به خود و فرزنـدان و در یک کلام به ارتقای سطح فکری و فرهنگی کل خانواده کمک نمایند. البته ایـن کـار راحتـی نیسـت و مهم‌ترین مانع عادات و رویه‌های معمول جامعه است اما پدر و مـادری کـه واقعـا و به‌صـورت منطقـی بـه سعادت خود فرزندان و خانواده می‌اندیشند باید گام‌های تدریجی را در این راه بردارند. عطش یـادگیری و حضور دانایی در محیط خانه کلید خوشبختی خانواده است. اطمینان داریم که والدین ایرانی دیر یـا زود بـه این واقعیت مهم خواهند رسید. یادگیری فقط نیاز دانش‌آموزان نیست بلکه نیاز همه انسان‌ها در همـه زمـان هاست. عطش یادگیری بسیاری از خلاهای زندگی را پر می‌کند. احترام به دانائی تفسیر زندگی و ارزش‌های فردی و اجتماعی را تغییر می‌دهد. ارتقای سطح فکری والدین فضای خانه و خانواده را دلنشین و منطقی‌تـر می‌سازد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

یادگیری[1] یک فرایند است. در هر فرایند عوامل و متغیرهایی درحال تعاملند. نوع و شدت تعامل، تغییرات گوناگونی را به دنبال می‌آورد. بررسی همه عوامل مؤثر در فرایند تدریس، امکان پذیر نیست. چند تا از مهم‌ترین این عوامل که تأثیر آشکاری در روند یادگیری دارند عبارتند از: آمادگی، انگیزه و هدف، تجارب گذشته، موقعیت و محیط یادگیری، روش تدریس رابطه جز و کل، تمرین و تکرار. شاگرد باید از لحاظ جسمی، عاطفی، عقلی و... رشد کافی کرده باشد تا بتواند به خوبی یاد بگیرد و یادگیری زمانی برایش مفید خواهد بود که از هر نظر آمادگی لازم داشته باشد. او حتی اگر بعضی از جنبه‌های آمادگی را کسب نکرده باشد، یادگیری برایش خستگی‌آور و کسل کننده خواهد شد و چندان پیشرفتی نخواهد کرد. مثلا در یادگیری نوشتن، اعصاب و عضلات دست و انگشتان باید به قدر کافی رشد کرده و آمادگی داشته باشند. اگر کودکی را که از لحاظ جسمی و روانی آمادگی یاد گرفتن و نوشتن را ندارد، تعلیم بدهیم، جریان یادگیری او در این زمینه حتی در سال‌های بعدی به کندی پیش خواهد رفت، در صورتی که اگر همین کودک در سنی که آمادگی کافی دارد، تحت تعلیم قرار گیرد، نوشتن را زودتر فرا خواهد گرفت و در این زمینه سریعتر پیشرفت خواهد کرد (فتحی، ۱۳۷۶). آمادگی در زمینه‌های مختلف متفاوت است. ممکن است فرد از لحاظ عقلی آماده باشد ولی از نظر عاطفی نسبت به امر مورد نظر فاقد احساس مطبوع باشد. مثلا ترس از معلم احساس عدم امنیت، دلهره، اضطراب و پریشانی فکر ممکن است یادگیری را در زمینه مورد نظر مختل کند. رشد و آمادگی ذهنی افراد نیز در فهم و یادگیری علوم مختلف متفاوت است. مثلاً ممکن است شاگردی در مرحله‌ای از رشد خود آماده درک علوم تجربی باشد، ولی برای درک علوم اجتماعی هنوز آمادگی لازم را بدسن نیاورده باشد. بنابراین، معلم باید آمادگی هر یک از شاگردان خود را تدریس مواد درسی در نظر داشته باشد و فعالیت‌های آموزشی خود را متناسب با سطح آمادگی آنان عرضه کند (آرمسترانگ، ۲۰۰۷). هر چه فرد آمادگی بیش‌تری برای رفتار معینی داشته باشد، برای انجام دادن رفتار، به محرک کم‌تری نیاز دارد. مثلا خنداندن یک انسان خوشحال بسیار ساده‌تر از خندان یک شخص غمگین است. هر چه فرد آمادگی کم‌تری داشته باشد، تحرک بیش‌تری برای ایجاد آن رفتار لازم است. تدریس و فعالیت معلم زمانی بیش‌ترین تأثیر را در یادگیری خواهد که شاگرد به آمادگی لازم رسیده باشد و در غیر این صورت شاگرد همچون چراغی که فتیله آن پایین کشیده شده باشد، هرگز برافروخته نمی‌شود و چیزی نخواهد آموخت. یادگیری معلول انگیزه‌های متفاوتی است. یکی از این انگیزه‌ها که نقش مهمی در جریان یادگیری میل و رغبت شاگرد به آموختن است. رغبت هر کس است که نیروی فعالیت را افزایش

[1]- Learning Discomfort

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

می‌دهد. برای اینکه شاگردان در ضمن یادگیری فعال باید به موضوعی که می‌خواهند قرا بگیرند علاقمند باشند. برای ایجاد رغبت، لازم نیست موضوعات درسی را به‌طور تصنعی جالب توجه نشان داد، همینکه مطالب و مفاهیم درسی براساس نیاز شاگردان تنظیم شده باشد و مسائل اساسی و واقعی آنان را مطرح سازد و به آنان در برخورد با محیط کمک کند، رغبت آنان برانگیخته خواهد شد. موقعیت و محیط یادگیری (خانواده و مدرسه) از عوامل بسیار مؤثر در انگیزه و گرایش به یادگیری است. محیط مانند نور، هوا، تجهیزات و امکانات آموزشی. طبیعی است هر چه امکانات آموزشی، کتابخانه و منابع مختلف علمی مناسب‌تر و بیش‌تر باشد، یادگیری شاگردان در مقایسه با یادگیری شاگردان مدرسه‌ای که دارای فضای مناسب نیست و در آن جز کتاب درسی منابع دیگری یافت نمی‌شود بسیار متفاوت خواهد بود. والدین امروزی و به خصوص مادران، حساسیت زیادی درباره درس خواندن و پیشرفت تحصیلی فرزندان‌شان نشان می‌دهند. بسیاری از خانواده‌هایی که فرزندان با هوش و درس‌خوانی دارند، سعی می‌کنند از تهیه هیچ نوع امکاناتی دریغ نکنند. خانواده‌هایی که فرزندان‌شان به هر دلیل، اهل درس و مدرسه نیست، برای جبران کمبودهای انگیزشی، پول خرج کردن برای معلم خصوصی و آموزشگاه و انواع و اقسام کتاب‌ها را ساده‌ترین راه می‌پندارند. هم والدین گروه اول و هم والدین گروه دوم، بیش‌ترین فشار را بر روی فرزندان متمرکز ساخته و به اقداماتی یک طرفه روی می‌آورند. خانواده، به ویژه در سنین حدود ۲ تا ۱۰ سالگی مهارت‌هایی به کودک می‌آموزد که در رابطه با کارهای آموزشگاه، نقش اساسی دارند. این مهارت‌ها عبارتند از: زبان، توانایی یادگیری از بزرگسالان، جنبه‌هایی از نیاز به پیشرفت، عادت به کار کردن و توجه به «وظایف». اگرچه خانواده‌ها در آموزش این مهارت‌ها به کودکان تفاوت دارند، اما نتیجه کار بعضی خانواده‌ها در ایجاد این مهارت‌ها و توانایی‌های دیگر فوق‌العاده است (بلوم، ۱۹۹۸).

خانواده‌ها نقش خود را درباره کمک به پیشرفت تحصیلی فرزندان، در دو نکته خلاصه می‌کنند:

۱- تهیه و تدارک امکانات. ۲- همراهی با فرزندشان در درس خواندن؛ آن چه در این میان نادیده گرفته می‌شود نقش سطح فکری والدین در محیط خانه است. فرزندان بیش از تدارک امکانات و کنترل تحصیلی، به والدینی نیاز دارند که با ارتقای دانایی‌ها و یادگیری‌های خود، به ارتقای سطح فکری خانواده کمک کنند. تنها داشتن فرزند باهوش و تیزهوش و واداشتن او به درس خواندن از هر طریق ممکن، مهم نیست. چنین فرزندی، در محیطی بهتر رشد می‌کند که مستعد و بالنده باشد. پدر و مادری که برای یادگیری فرزندان‌شان هر سختی و زحمتی را به جان می‌خرند، ولی برای یادگیری خودشان تلاشی نمی‌کنند، در واقع به فرزندشان لطمه می‌زنند. از آنجا که تعداد ساعاتی که دانش‌آموز در منزل است بیش از تعداد ساعاتی است

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

که در مدرسه حضور دارد بنابراین استفاده از این فرصت و زمان جهت جبران کمبودهـای آموزشـی بسـیار مهم و اساسی است به‌طوری که می‌تواند تأثیری جدی در روند آموزشی و یادگیری این دانش‌آموزان داشـته باشد. بنابراین مسـأله اساسـی پـژوهش حاضـر ایـن اسـت کـه خـانواده و ویژگی‌هـای محـیط خـانوادگی دانش‌آموزان تا چه میزان بر گرایش دانش‌آموزان به یادگیری مؤثر است.

پیشینه تحقیق

آزاد و بیات(۱۴۰۳) در تحقیقی با عنوان"بررسی تاثیر سطح سواد والدین بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان"به بررسی میزان تاثیر سطح سواد والدین و با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را پرداختند. جامعه ی آماری در این پژوهش شامل مدارس ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان الموت شرقی که در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ مشغول به تحصیل می باشد.نتایج تحقیق نشان داد که سطح سواد پدر با موفقیت و عدم موفقیت دانش آموزان اثر قطعی دارد و سطح سواد مادر نیز در انجام موفقیت یا شکست بی تاثیر نیست.

قیاسی و همکاران (۱۴۰۳)، در مطالعه ای با هدف بررسی و تبیین نقش خانواده در عملکرد آموزشی و سطوح یادگیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه مدارس ناحیه ۶، این‌گونه نتیجه‌گیری کردند که تحصیلات، شغل و درآمد والدین بر عملکرد آموزشی دانش‌آموزان تأثیر مستقیم و مثبتی دارد.

شاهورانی و همکاران(۱۴۰۲) در تحقیقی با عنوان" بررسی ویژگی های اثربخشی ارتباطات میان فردی معلمان ریاضی و دانش آموزان و رابطه آن با یادگیری ریاضی در دانش آموزان مقطع راهنمایی شهر شیراز"به بررسی ویژگی های اثربخشی ارتباطات میان فردی معلمان ریاضی و دانش آموزان و رابطه آن با یادگیری ریاضی می‌باشد. یافته های پژوهش نشان داد که بین ویژگی‌های اثربخشی ارتباطات میان فردی معلمان ریاضی و انگیزش تحصیلی دانش آموزان تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین معلمان ریاضی زن نسبت به معلمان ریاضی مرد در استفاده از ویژگی‌های اثربخشی ارتباطات میان فردی به نحو بهتری عمل می‌کنند و دخترها نسبت به پسرها در یادگیری ریاضی انگیزش بیشتری داشتند. همچنین بین ویژگی‌های اثربخشی ارتباطات میان فردی و انگیزش یادگیری ریاضی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد.

میر[1] و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهش خود تحت عنوان «تعاملات و روابط خانوادگی و ویژگی‌های آموزشی و تحصیلی دانش‌آموزان» به این نتایج رسیدند کـه تعـاملات عـاطفی و جـو مثبـت خـانوادگی بـر گـرایش دانش‌آموزان به یادگیری و عملکرد بهتر آموزشی تأثیر مستقیم و معنادار دارد.

[1]- Myier

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

تحقیق مولیس(۲۰۲۴) نشان می دهد که سه عامل ویژگی های مادر درخانه،معلم در مدرسه و کلاس درس از جمله عوامل بیرونی هستند که بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تاثیر دارند . صلاحیت مادر دانش آموزان و معلم از عوامل موثر در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است که بیشترین تاثیر را در پیشرفت دانش آموزان دارد

فانبرز[1] و همکاران(۲۰۲۳)در پژوهشی بر روی ویژگی های خانوادگی دانش آموزان در مدرسه بر روی ۶۰ دانش آموز نتیجه گرفتند که ۲۷ درصد از دانش آموزان در ارتباط با معلمان و مدیر مدرسه دجار آسیب و ناهنجاری بودند.خانواده بیشتر این دانش آموزان جزء طبقه متوسط به پایین بودند.۶۳ درصد از دانش آموزان که عملکرد تحصیلی نا بهنجاری داشتند در خانواده اشان اختلاف و تنش وجود داشت.

مورفی(۲۰۲۲) در تحقیق خود بر روی ۲۰۰ دانش آموز با والدینشان و معلم آنان ترکیب عوامل خانواده(تحصیلات و اشتغال والدین) مدرسه و معلم را از عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بیان می کند.

ناستازیو (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان تأثیر وضعیت شغلی والدین و ساعات کار آنان بر ویژگی‌های آموزشی و رفتاری دانش آموزان نشان داد که والدینی که به شغل و حرفه خود وابستگی بیشتری نشان می‌دادند، فرزندانشان نیز در مدرسه تعهد آموزشی و رفتار متناسب با مقررات مدرسه را بیشتر رعایت می‌کردند.

جک راین (۲۰۲۱) در یک کار تحقیقی با عنوان «در مورد سنجش سطوح گرایش به یادگیری محتوای آموزشی در مدرسه با تأکید بر ویژگی‌های خانوادگی» این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که طبقه اجتماعی و اقتصادی خانوده به میزان زیادی با ویژگی‌های تحصیلی و سطح یادگیری دانش‌آموزان رابطه مستقیم و معنادار دارد. در مورد سطح تحصیلات والدین این ویژگی‌ها نمرات و میانگین بالاتری را نشان می‌دهد.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی:

بین عوامل خانوادگی و گرایش دانش‌آموزان به یادگیری رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی:

۱- بین انسجام خانوادگی و گرایش دانش‌آموزان به یادگیری رابطه معنادار وجود دارد.

[1] Fumblers

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

۲- بین گرایش دانش‌آموزان به یادگیری براساس پایه تحصیلی آنان تفاوت معناداری وجود دارد.

۳- بین گرایش دانش‌آموزان به یادگیری براساس تحصیلات والدین آنان تفاوت معناداری وجود دارد

روش‌شناسی

پژوهش حاضر تحقیقی توصیفی پیمایشی است که به لحاظ هدف کاربردی می‌باشد. از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها، از نوع پیمایشی است. تحقیق کاربردی به سمت کاربرد عملی دانش هدایت می‌شود (سرمد و دیگران، ۱۳۸۳). در تحقیقات توصیفی- تحلیلی، محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسأله و ابعاد آن می‌پردازد (حافظ نیا، ۱۳۸۷).

جامعه آماری ،حجم نمونه و روش نمونه گیری:

جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانش آموزان مقطع ابتدایی در مدارس شهرستان بوشهر می باشد.تعداد کل دانش آموزان ابتدایی ۶۸۸۷نفر می باشد. حجم نمونه مورد بررسی تحقیق براساس فرمول کوکران ۳۶۳ نفر تعیین شد. روش نمونه گیری به شیوه تصادفی می‌باشد که ابتدا از بین مدارس ۲ مدرسه دخترانه و ۲ مدرسه پسرانه انتخاب شد و سپس دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم به شیوه تصادفی انتخاب شدند.

ابزار پژوهش:

در این پژوهش پرسشنامه در سه بخش و براساس مراحل زیر تدوین شده است: ۱- بخش اول سؤالات مربوط به ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان (جنسیت، پایه تحصیلی)، ۲- بخش دوم سؤالات مربوط به عوامل خانوادگی (تحصیلات والدین، شغل والدین، درآمدوالدین، سن والدین و روابط خانوادگی۳- سؤالات مربوط به گرایش به یادگیری (۳۳ سؤال): سؤالات گرایش به یادگیری براساس پرسشنامه استاندارد انگیزش یادگیری تحصیلی هارتر شامل ۳۳ گویه و هدف آن بررسی انگیزش یادگیری و تحصیلی در بین دانش‌آموزان می‌باشد. این ابزار شکل اصلاح شده مقیاس هارتر (۱۹۸۱: ۱۹۸۰) به عنوان یک ابزار سنجش انگیزش تحصیلی است. همان‌گونه که بیان شد مقیاس اصلی هارتر، انگیزش یادگیری را با سؤال‌های دوقطبی می‌سنجد که یک قطب آن انگیزش درونی و قطب دیگر انگیزش بیرونی است و پاسخ آزمودنی به موضوع هرسؤال فقط می‌تواند یکی از دلایل بیرونی یا درونی را دربرداشته باشد. از آنجا که در بسیاری موضوع‌های تحصیلی انگیزه های درونی و بیرونی هردو نقش دارند، (منبع داخل فایل) مقیاس هارتر را به

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شکل مقیاس‌های معمول درآوردند که هر سؤال تنها یکی از دلایل انگیزش درونی و بیرونی در نظر می‌گیرد.

یافته‌های توصیفی تحقیق

قبل از تحلیل داده‌ها، جهت شناخت بیش‌تر جامعه مورد مطالعه به توصیف هر یک از ویژگی جنسیت و پایه تحصیلی دانش‌آموزان و هم چنین انگیزش یادگیری دانش‌آموزان با استفاده از روش‌های آمار توصیفی مانند جداول یک بعدی توزیع فراوانی، درصد فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد و نمودار به ترتیب زیر پرداخته می‌شود.

۱- توزیع فراوانی دانش‌آموزان برحسب جنسیت

جدول ۱ بیانگر توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب جنسیت آن‌ها می‌باشد.

جدول۱-توزیع فراوانی دانش‌آموزان برحسب جنسیت آن‌ها

جنسیت	فراوانی	درصد
پسر	۱۷۸	۴۹٪
دختر	۱۸۵	۵۱٪
جمع	۳۶۳	۱۰۰٪

در بررسی توزیع دانش‌آموزان براساس جنسیت، داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که ۴۹ درصد از کل پاسخگویان پسر و ۵۱درصد بقیه دختر می‌باشند.

۲- توزیع فراوانی دانش‌آموزان برحسب پایه تحصیلی

جدول۲ بیانگر توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب پایه تحصیلی آن‌ها می‌باشد.

جدول۲-توزیع فراوانی آزمودنی‌ها برحسب پایه تحصیلی

پایه تحصیلی	فراوانی (تعداد)	درصد
پنجم	۱۴۶	۴۰٪/۲
ششم	۲۱۷	۵۹٪/۷
جمع	۳۶۳	٪۱۰۰

در بررسی توزیع دانش‌آموزان مقطع ابتدایی مورد بررسی، داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که ۴۰/۲درصد از کل آزمودنی‌ها دانش‌آموزان پایه پنجم و ۵۹/۷درصد بقیه دانش‌آموزان پایه ششم می‌باشند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

یافته‌ها

در این بخش هر یک از فرضیات تحقیق را با استفاده از تکنیک‌های آمار استنباطی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فرضیه اول: بین عوامل خانوادگی و گرایش دانش‌آموزان به یادگیری رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۳ بیانگر همبستگی بین عوامل خانوادگی و گرایش دانش‌آموزان به یادگیری می‌باشد.

جدول۳-همبستگی بین عوامل خانوادگی و گرایش دانش‌آموزان به یادگیری

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
گرایش به یادگیری	۰/۵۱	۰/۰۰۲
عوامل خانوادگی		

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود ضریب همبستگی پیرسون بیانگر رابطه نسبتاً خوب و قابل قبول بین عوامل خانوادگی و گرایش دانش‌آموزان به یادگیری است. این رابطه در سطح ۹۹ دصد اطمینان معنی دار است. بنابراین، فرضیه فوق تأیید شد. ویژگی‌های خانوادگی همچون تحصیلات والدین، روابط درون خانواده، شغل والدین به عنوان متغیرهایی هستند شکل دهنده ویژگی‌های خانوادگی دانش‌آموزان می‌باشند.

فرضیه دوم: بین انسجام خانوادگی و گرایش دانش‌آموزان به یادگیری رابطه معنادار وجود دارد.

جدول۴ بیانگر همبستگی بین انسجام خانوادگی و گرایش دانش‌آموزان به یادگیری می‌باشد.

جدول۴-همبستگی بین انسجام خانوادگی و گرایش دانش‌آموزان به یادگیری

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
گرایش به یادگیری	۰/۴۷	۰/۰۰۳
انسجام خانوادگی		

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود ضریب همبستگی پیرسون بیانگر رابطه نسبتاً خوب و قابل قبول بین انسجام خانوادگی و گرایش دانش‌آموزان به یادگیری است. این رابطه در سطح ۹۹ دصد اطمینان معنی دار است. بنابراین، فرضیه فوق تأیید شد. به هر میزان انسجام خانوادگی دانش‌آموزان بیش‌تر باشد گرایش به یادگیری اشان بیش‌تر می‌شود و بالعکس. این رابطه مستقیم و مثبت می‌باشد.

فرضیه سوم: بین گرایش دانش‌آموزان به یادگیری براساس پایه تحصیلی آنان تفاوت معناداری وجود دارد.

در جدول ۵، میانگین گرایش دانش‌آموزان به یادگیری براساس پایه تحصیلی آنان با استفاده از آزمون t با یکدیگر مقایسه شده است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

جدول ۵- مقایسه میانگین گرایش دانش‌آموزان به یادگیری بر پایه تحصیلی آنان

پایه تحصیلی	میانگین	انحراف معیار	df	t	p
پنجم	۸۸/۹	۱۸/۶	۳۶۱	۱۸/۰۵	۰/۰۰۰
ششم	۸۵/۷	۱۴/۴			

به منظور بررسی میانگین دو متغیر فوق از آزمون t مستقل استفاده شده است همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود بین نمره میانگین گرایش دانش‌آموزان به یادگیری براساس پایه تحصیلی اشان، براساس نتایج آزمون t در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنی دار است. بنابراین با توجه به تفاوت مشاهده شده در گرایش دانش‌آموزان به یادگیری در پایه‌های پنجم و ششم می‌توان گفت که تفاوت معنی داری مشاهده شده است. بنابراین فرضیه فوق تأیید شد.

فرضیه چهارم: بین گرایش دانش‌آموزان به یادگیری براساس تحصیلات والدین آنان تفاوت معناداری وجود دارد.

در جدول ۶، میانگین گرایش دانش‌آموزان به یادگیری براساس تحصیلات والدین اشان با استفاده از تحلیل واریانس یکطرفه با یکدیگر مقایسه شده است.

جدول۶-مقایسه میانگین تعهد سازمانی کارکنان براساس تحصیلات

تحصیلات	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
دیپلم و پایین تر	۱۷۷	۷۸/۹	۱۸/۳
فوق دیپلم	۸۴	۸۱/۵	۱۶/۴
لیسانس و بالاتر	۱۰۲	۸۴/۲	۱۶/۶
جمع	۳۶۳	۸۲/۴	۱۴/۱۰

جدول ۷- خلاصه گزارش تحلیل واریانس

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدارF	سطح معنی داری
بین گرو ه ها	۱۷۹۲/۹۰۲	۲	۳۵۸/۵۸۰	۲/۱۲۱	۰/۰۶
درون گروه‌ها	۵۹۱۷۸/۱۹۹	۳۶۰	۱۶۹/۰۸۱		
جمع	۶۰۹۷۱/۱۰۱	۳۶۲	-		

در بررسی و مقایسه گرایش دانش‌آموزان به یادگیری براساس تحصیلات والدین اشان، همان‌طور که در جداول فوق ملاحظه می‌شود بین گرایش دانش‌آموزان به یادگیری براساس تحصیلات در سطح (P<۰/۰۶)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

اختلاف معناداری مشاهده نمی‌شود. بنابراین فرضیه فوق تأیید نشد. تحصیلات والدین بر گرایش به یادگیری در دانش‌آموزان تأثیر ندارد.

فرضیه ۱: بین عوامل خانوادگی و گرایش دانش‌آموزان به یادگیری رابطه معنادار وجود دارد.

نتایج بیانگر رابطه نسبتاً خوب و قابل قبول بین عوامل خانوادگی و گرایش دانش‌آموزان به یادگیری است. این رابطه در سطح ۹۹ دصد اطمینان معنی‌دار است. بنابراین، فرضیه فوق تأیید شد. نتیجه این فرضیه با نتایج تحقیقات پورظهیر (۱۳۸۴)، آزاد و بیات(۱۳۹۱) ،سرمدی و همکاران (۱۳۸۶) قیاسی و همکاران (۱۳۸۹)، شعبان زاده و دیگران (۱۳۸۵) ، شاهورانی و همکاران(۱۳۸۸)، کان گاس[1](۲۰۰۶)،مولیس(۲۰۰۶) راو و هیا(۲۰۰۶) و فانبرز[2] و همکاران(۲۰۰۹) مطابقت دارد.ویژگی‌های خانوادگی همچون تحصیلات والدین، روابط درون خانواده، شغل والدین به عنوان متغیرهایی هستند شکل دهنده ویژگی‌های خانوادگی دانش‌آموزان می‌باشند. جک راین (۲۰۰۷) در یک کار تحقیقی با عنوان «در مورد سنجش سطوح گرایش به یادگیری محتوای آموزشی در مدرسه با تأکید بر ویژگی‌های خانوادگی این‌گونه نتیجه گیری کرد که طبقه اجتماعی و اقتصادی خانوده به میزان زیادی با ویژگی‌های تحصیلی و سطح یادگیری دانش‌آموزان رابطه مستقیم و معنادار دارد. در مورد سطح تحصیلات والدین این ویژگی‌ها نمرات و میانگین بالاتری را نشان می‌دهد. همچنین نتایج قیاسی و همکاران (۱۳۸۹) این‌گونه نتیجه گیری کردند که تحصیلات، شغل و درآمد والدین بر عملکرد آموزشی دانش‌آموزان تأثیر مستقیم و مثبتی دارد. سرمدی و همکاران (۱۳۸۶) نیز در تحقیقشان در باره مسائل و مشکلات یادگیری و آموزش کودکان نشان می‌دهند کودکانی که پدران آنان مدت کم‌تری در خانه هستند و زمانی هم که در منزل هستند توجه کم‌تری به فرزندانشان می‌کنند، کودکان آنان معمولاً کودکانی هستند که دارای مسائل و مشکلات بیش‌تری در زمینه یادگیری و انگیزش تحصیلی دارند. پورظهیر (۱۳۸۴) نیز در تحقیقش نشان داد که دانش‌آموزان با طبقه اجتماعی بالاتر در آزمون‌های بهره هوشی به دلیل داشتن انگیزه و گرایش بیش‌تر به آموزش و یادگیری و شیوه‌های برخورد متفاوت توفیق بیش‌تری داشتند در صورتی که کودکان طبقه پایین به دلیل فرهنگ خاص خانواده و طبقه اجتماعی خود که در آن شکست، نگرانی، ناکامی یک امر عادی است گرایش کم‌تری به یادگیری و تحصیل و توفیق کم‌تری داشتند.میر[3] و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهش خود تحت عنوان «تعاملات و روابط خانوادگی و ویژگی‌های

[1] Kanga
[2] Fumblers
[3]- Myier

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

آموزشی و تحصیلی دانش‌آموزان» به این نتایج رسیدند که تعاملات عاطفی و جو مثبت خانوادگی بر گرایش دانش‌آموزان به یادگیری و عملکرد بهتر آموزشی تأثیر مستقیم و معنادار دارد. جک راین (۲۰۰۷)در یک کار تحقیقی با عنوان «در مورد سنجش سطوح گرایش به یادگیری محتوای آموزشی در مدرسه با تأکید بر ویژگی‌های خانوادگی» این‌گونه نتیجه گیری کرد که طبقه اجتماعی و اقتصادی خانوده به میزان زیادی با ویژگی‌های تحصیلی و سطح یادگیری دانش‌آموزان رابطه مستقیم و معنادار دارد. در مورد سطح تحصیلات والدین این ویژگی‌ها نمرات و میانگین بالاتری را نشان می‌دهد.

فرضیه ۲: بین انسجام خانوادگی و گرایش دانش‌آموزان به یادگیری رابطه معنادار وجود دارد.

نتایج بیانگر رابطه نسبتاً خوب و قابل قبول بین انسجام خانوادگی و گرایش دانش‌آموزان به یادگیری است. این رابطه در سطح ۹۹ دصد اطمینان معنی‌دار است. بنابراین، فرضیه فوق تأیید شد. به هر میزان انسجام خانوادگی دانش‌آموزان بیش‌تر باشد گرایش به یادگیری اشان بیش‌تر می‌شود و بالعکس. این رابطه مستقیم و مثبت می‌باشد.

فرضیه ۳: بین گرایش دانش‌آموزان به یادگیری براساس پایه تحصیلی آنان تفاوت معناداری وجود دارد.

تفاوت بدست آمده بین نمره میانگین گرایش دانش‌آموزان به یادگیری براساس پایه تحصیلی‌شان در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنی دار است. بنابراین با توجه به تفاوت مشاهده شده در گرایش دانش‌آموزان به یادگیری در پایه‌های پنجم و ششم می‌توان گفت که تفاوت معنی داری مشاهده شده است. – بین روابط درون خانوادگی و گرایش دانش‌آموزان به یادگیری رابطه معنادار وجود دارد. نتایج بدست آمده بیانگر رابطه نسبتاً خوب و قابل قبول بین روابط خانوادگی و گرایش دانش‌آموزان به یادگیری است. این رابطه در سطح ۹۹ دصد اطمینان معنی دار است. بنابراین، فرضیه فوق تأیید شد. نتیجه این فرضیه با نتایج تحقیقات پورظهیر (۱۳۸۴)، آزاد و بیات(۱۳۹۱) ،سرمدی و همکاران (۱۳۸۶) قیاسی و همکاران (۱۳۸۹)، شعبان زاده و دیگران (۱۳۸۵) ، شاهورانی و همکاران(۱۳۸۸)، کان گاس[1](۲۰۰۶)،مولیس(۲۰۰۶) راو و هیا(۲۰۰۶) و فانبرز[2] و همکاران(۲۰۰۹) مطابقت دارد. به هر میزان روابط درون خانوادگی دانش‌آموزان مطلوب‌تر باشد گرایش به یادگیری اشان بیش‌تر می‌شود و بالعکس. این رابطه مستقیم و مثبت می‌باشد. همچنین سرمدی و همکاران (۱۳۸۶) نیز در تحقیقشان در باره مسائل و مشکلات یادگیری و آموزش کودکان نشان می‌دهند

[1] Kanga
[2] Fumblers

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

کودکانی که پدران آنان مدت کم‌تری در خانه هستند و زمانی هم که در منزل هستند توجه کم‌تری به فرزندانشان می‌کنند، کودکان آنان معمولاً کودکانی هستند که دارای مسائل و مشکلات بیش‌تری در زمینه یادگیری و انگیزش تحصیلی دارند. پورظهیر (۱۳۸۴) نیز در تحقیقش نشان داد که دانش‌آموزان با طبقه اجتماعی بالاتر در آزمون‌های بهره هوشی به دلیل داشتن انگیزه و گرایش بیش‌تر به آموزش و یادگیری و شیوه‌های برخورد متفاوت توفیق بیش‌تری داشتند در صورتی که کودکان طبقه پایین به دلیل فرهنگ خاص خانواده و طبقه اجتماعی خود که در آن شکست، نگرانی، ناکامی یک امر عادی است گرایش کم‌تری به یادگیری و تحصیل و توفیق کم‌تری داشتند. میر[1] و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهش خود تحت عنوان «تعاملات و روابط خانواده گی و ویژگی‌های آموزشی و تحصیلی دانش‌آموزان» به این نتایج رسیدند که تعاملات عاطفی و جو مثبت خانوادگی بر گرایش دانش‌آموزان به یادگیری و عملکرد بهتر آموزشی تأثیر مستقیم و معنادار دارد. جک راین (۲۰۰۷)در یک کار تحقیقی با عنوان «در مورد سنجش سطوح گرایش به یادگیری محتوای آموزشی در مدرسه با تأکید بر ویژگی‌های خانوادگی» این‌گونه نتیجه گیری کرد که طبقه اجتماعی و اقتصادی خانوده به میزان زیادی با ویژگی‌های تحصیلی و سطح یادگیری دانش‌آموزان رابطه مستقیم و معنادار دارد. در مورد سطح تحصیلات والدین این ویژگی‌ها نمرات و میانگین بالاتری را نشان می‌دهد.

فرضیه ۴: بین گرایش دانش‌آموزان به یادگیری براساس تحصیلات والدین آنان تفاوت معناداری وجود دارد.

مقایسه گرایش دانش‌آموزان به یادگیری براساس تحصیلات والدین اشان نشان داد بین گرایش دانش‌آموزان به یادگیری براساس تحصیلات اختلاف معناداری مشاهده نمی‌شود. بنابراین فرضیه فوق تأیید نشد. تحصیلات والدین بر گرایش به یادگیری در دانش‌آموزان تأثیر ندارد. این نتیجه با نتایج تحقیقات قیاسی و همکاران (۱۳۸۹)، پورظهیر (۱۳۸۴) مطابقت ندارد. نتایج قیاسی و همکاران (۱۳۸۹) این‌گونه نتیجه گیری کردند که تحصیلات، شغل و درآمد والدین بر عملکرد آموزشی دانش‌آموزان تأثیر مستقیم و مثبتی دارد. پورظهیر (۱۳۸۴) نیز در تحقیقش نشان داد که دانش‌آموزان با طبقه اجتماعی بالاتر در آزمون‌های بهره هوشی به دلیل داشتن انگیزه و گرایش بیش‌تر به آموزش و یادگیری و شیوه‌های برخورد متفاوت توفیق بیش‌تری داشتند درصورتی که کودکان طبقه پایین به دلیل فرهنگ خاص خانواده و طبقه اجتماعی خود که

[1]- Myier

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

در آن شکست، نگرانی، ناکامی یک امر عادی است گرایش کم‌تری به یادگیری و تحصیل و توفیق کم‌تری داشتند.

منابع

اتکینسون، هیلگارد و اتکینسون، ریتا، ارنست و ریچارد (۱۹۹۸)، زمینه روان‌شناسی، ترجمه براهنی، محمد تقی، (۱۳۸۵)، جلد دوم،تهران: انتشارات رشد.

اعزازی، شهلا (۱۳۷۶)، جامعه شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر،تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

افروز، غلامعلی (۱۳۷۵)، اختلالات یادگیری، انتشارات دانشگاه پیام نور.

بیابانگرد، اسماعیل(۱۳۸۴)، «رابطه‌ی میان عزت نفس، انگیزه پیشرفت و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های تهران»، مطالعات روان‌شناختی، ش ۴ و ۵: ۱۴۴-۱۳۱.

پور کریمی، جواد(۱۳۸۸)،«مقایسه رضایت شغلی و انگیزش پیشرفت در دانش آموختگان کشاورزی خود اشتغال و غیرخوداشتغال»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۱: ۱۷۵-۱۵۵.

تقی پور ظهیر، علی (۱۳۷۴)، اصول و مبانی آموزش و پرورش، چاپ ششم، انتشارات دانشگاه پیام نور.

ثنائی، باقر(۱۳۷۸)، «نقش «خانواده‌های اصلی» در ازدواج فرزندان»، فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی انجمن مشاوره‌ی ایران، جلد ۱، شماره ۲.

جعفری فاطمه(۱۳۸۵)، «بررسی تطبیقی انگیزه پیشرفت در طبقات اجتماعی»، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

سیف سوسن (۱۳۸۴)، تئوری رشد خانواده،تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.

سیف، علی اکبر (۱۳۷۹)، روان‌شناسی پرورشی چاپ پانزدهم، (۱۳۸۵)، ویراست پنجم، انتشارات آگاه.

شعبانی، حسن (۱۳۸۱)، مهارت‌های آموزشی وپرورشی (روش‌ها و فنون تدریس)،تهران: انتشارات سمت.

شکرکن، حسین و همکاران(۱۳۷۳)،«تأثیرات عزت‌نفس بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر و دختر دبیرستانی»، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، چاپ اول، شماره اول.

شکوهی، غلامحسین (۱۳۸۱)، اصول و مبانی آموزش و پرورش،مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

شهرآرای، مهرناز (۱۳۸۶)، انگیزش در تعلیم و تربیت، نشر علم.

شهنی ییلاق، بنابی مبارکی و شکرکن، منیژه، زهرا و حسین(۱۳۸۴)، «بررسی روابط بین موضوعی و درون موضوعی انگیزش تحصیلی (خودکارآمدی، ارزش تکلیف، هدف‌های عملکردگرا، عملکردگریز و تبحری) در دانش‌آموزان دختر سال اول دبیرستان شهر اهواز»، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره۳، سال۱۲، شماره۳: ۷۶-۴۷.

طالب پور، نوری و موسوی، اکبر، ابوالقاسم و حسین(۱۳۸۱)، «تأثیر آموزش شناختی بر مسند مهارگذاری، انگیزه پیشرفت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان شاهد»، مجله روان‌شناسی، ۶ (۱ (پیاپی ۲۱)): ۱۸-۲۹.

عابدی، عریضی و سبحانی نژاد، احمد، حمیدرضا و مهدی(۱۳۸۴)، «بررسی رابطه بین انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان با ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها»، دوماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، سال۱۲، شماره۱۲: ۳۸-۲۹.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

قاسمی پیر بلوطی، محمد(۱۳۷۴)، «بررسی رابطه پیشزفت تحصیلی با انگیزش و منبع کنترل در دانش‌آموزان سال سوم راهنمایی شهرکرد»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه تهران.

کریمی، یوسف (۱۳۸۸)، روان‌شناسی شخصیت،تهران: نشر ویرایش، چاپ سیزدهم.

گنجی، حمزء (۱۳۷۳)، روان‌شناسی عمومی،تهران: انتشارات پیام نور.

منادی، مرتضی(۱۳۷۸)، «آموزش و پرورش در آستانه‌ی قرن ۲۱»، سخنرانی در دومین همایش علم در آستانه‌ی قرن ۲۱، مرکز علمی فرهنگی دارالفنون توس، (۱۳۷۸)، ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت.

نوابی نژاد، شکوه (۱۳۷۹)، رفتارهای بهنجار و ناهنجار نوجوانان و راه‌های پیشگیری و درمان، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

یوسفی، قاسمی و فیروزنیا، علیرضا، غلام رضا و سمانه(۱۳۸۸)، «ارتباط انگیزش تحصیلی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان»، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال۹، شماره۱: ۸۴-۷۹.

Bassant, K. C. (1995). Factors associated with types of mathematics anxiety in college student. *Journal of research in mathematics education*, 26, 327-345

Becker , H & Epstein , J. (1993). Parent Involvement: A Survey of teacher practice. The Elementary school Journal , 83, 85-102.

Berger Peter, et Luck man, Thomas, (1996), La construction social de la realties, Meridian Kinesics

Bourdieu, Pierre, (1989), Le sense parties, Paris, Les editions de Minuit's

Chen, C. S. (2002). Self- regulated learning strategies and achievement in *an* introduction to information systems course. *Information Technology, Learning, and Performance Journal*. 20 (1), PP: 11-24.

Dodson, Fitzhugh, (1972), Tout se joules Avant six ans. Paris. Robert Lafon.

Horner. M. S. A psychological barrier to achievement in women: The motive to avoid success. In D. C.

McClelland & R. S. Steele (Eds). Human motivation. Morristown. Nj: General Learning Press. (1973).

McClelland. D. C.۱۹۶۵) a). N achievement and entrepreneurship: A longitudinal study. Journal of personality and social psychology. ۳۹۲ ۳۸۹ .۱

Muola,J. M. (2010). A study of the relationship between academic achievement motivation and home environment among standard eight pupils. *Educational Research and Reviews*, 5 (5), pp: 213-217.

Piaget, J. -P. (1981). *Intelligence and Affectivity*. Basic Books, New York.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

Study and Explanation of Family and Social Factors Affecting the Level of Inclination to Learn Among Elementary School Students on Bushehr County

Leila Jalalian1, Roghieh Jalalian2, Afsaneh Jalalian3

1. Principal of Primary School, Department of Education of Dashtestan County
2.Principal of Primary School, Department of Education of Dashtestan County
3.Principal of Primary School, Department of Education of Dashtestan County

Abstract

Many studies have shown that what parents do in their interactions with children at home is the main factor determining verbal abilities and academic progress, not the parents' income level or level of education or other characteristics related to their social status. Parents can have the best and most effective level of interaction with their children who have a higher intellectual level - and not just the level of education. Therefore, the role of parents in the decline or improvement of the intellectual and cultural level of the family is very important. Learning is a process, and in each process, factors and variables are interacting. The aim of the present study is to identify and explain the family and social factors affecting the level of learning orientation among elementary school students in Bushehr city. This is to determine to what extent the family and the characteristics of the students' family environment affect students' orientation to learning. The present study is descriptive survey research that is applied in terms of purpose. The statistical population of the study includes all elementary school students in schools in Bushehr city. The total number of elementary school students is 6877 people. The sample size was determined based on the Cochran formula of 363 people. The research tool is a standard questionnaire. The results of the study showed that there is a significant relationship between family factors, intra-family relationships, and family cohesion with the orientation to learning. Also, a significant difference was observed between the level of students' orientation to learning based on their educational level.

Keywords: Learning, Orientation to Learning, Family Cohesion, Intra-Family Relationships

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]